از فضای فوق‌العاده استادیوم‌ها تا خانه‌ای به اسم تیخوانا

سکوت تیم ملی درباره قسمت‌های شیرین داستان جام جهانی

نگاه فنی

محمد قراگزلو
خبرنگار

تیم ملی برگشت، برایش مراسم استقبال گرفتند و بعد از آن همه چیز در سکوت گذشت. انگار نه انگار که کل فوتبال ایران چند ماه بسیج شده بود که این تیم به جام جهانی برود و با وجود تمام مشکلاتی که خیلی‌های‌مان پیش‌بینی‌اش می‌کردیم به نتیجه‌ای دست یابد که قبل از آن حاصل نشده بود.

همه از مشکلات و محدودیت‌ها خبر داشتیم؛ داستان ویزا، تغییر کمپ و رفت و آمدهایی که ریکاوری را سخت کرد همه موانعی بود که سر راهمان گذاشتند تا در شرایط مطلوب وارد این تورنمنت نشویم اما به نظر نمی‌رسد اینها دلیل کافی برای صعود نکردن‌مان باشد اما تقریباً می‌توان با صراحت گفت چیزی برای تمجید کردن وجود ندارد.

واقعیت اینکه همه از فضای حاکم بر استادیوم‌ها و جوی که قرار است علیه تیم ملی ایران در آمریکا به وجود بیاید ترسیده بودند و اینطور تصور می‌شد که شرایط آنقدر سخت خواهد شد که تیم ایران نمی‌تواند فوتبالش را بازی کند اما در هر سه مسابقه جو استادیوم به نفع تیم ایران بود و شرایط آنقدر خوب پیش رفت که فکرش را هم نمی‌کردیم. هر چند بعضاً ویدیوهایی از توهین به برخی بازیکنان تیم ملی در حین مسابقات وایرال شد اما تشویق چند ده هزار نفری و بالا و پایین پریدن چند ده هزار ایرانی با هر حمله تیم ملی چیزی نبود که بتوان نادیده‌اش گرفت. گواه این حرف مصاحبه‌هایی است که بازیکنان و مربیان تیم ملی بعد از هر مسابقه انجام داده و بابت تشویق و حمایت همه‌جانبه هواداران و تماشاگران ایرانی از آنها تقدیر می‌کردند. در واقع فضایی که در لس‌آنجلس و سیاتل برای تیم ملی ایجاد شد بهتر از هر ورزشگاه دیگری در اروپا و آسیا بود و شاید اگر تیم ملی در هر کشور دیگری بازی می‌کرد اینطوری حمایت نمی‌شد. تصاویر، اخبار و شواهد با وجود اینکه هیچ خبرنگار ایرانی در آمریکا نبود نشان می‌دهد فضای حاکم بر ورزشگاه در هر سه مسابقه به سود تیم ملی بود و این را می‌شود امتیازی بسیار بزرگتر و جذابتر از معضلاتی مثل معطلی‌هایی که هر بار برای نفراتی مثل طارمی و الهویی در فرودگاه ایجاد می‌کردند، در نظر گرفت.

به گفته یکی از مربیان تیم ملی جدا از نامشخص بودن تکلیف تیم ملی برای کمپ و دیر رسیدن به مکزیک، تیم ایران در آمریکا خیلی اذیت شد. البته مصداق این اذیت شدن فقط همین معطلی چهل دقیقه‌ای در فرودگاه در لحظه بازگشت از لس‌آنجلس به تیخوانا بود وگرنه نکته دیگری از سوی افاضلی مطرح نشد. البته او بحث هواپیمای تیم ملی در زمان اعزام به مکزیک را هم پیش کشید که به نظر می‌رسد کمی اغراق شده باشد چرا که این اقدام از سوی فیفا صورت گرفته بود و ربطی به میزبان مسابقات نداشت. با این وصف آنچه در داخل استادیوم‌های محل مسابقات تیم ملی گذشت آنقدر خوب و مثبت بود که اتفاقاتی مثل معطلی ۴۰ دقیقه‌ای در فرودگاه نمی‌تواند به عنوان یک نکته منفی در برابرش بزرگ جلوه کند.

> مصداق این اذیت شدن فقط همین معطلی چهل دقیقه‌ای در فرودگاه در لحظه بازگشت از لس‌آنجلس به تیخوانا بود وگرنه نکته دیگری از سوی افاضلی مطرح نشد

از سوی دیگر در طول تورنمنت همه دیدیم و شنیدیم که اعضای تیم ملی چقدر از تیخوانا و مردم مکزیک راضی بودند. از همان روز نخستی که تیم ملی به تیخوانا رسید جدا از چند نفر هموطن ایرانی که در آن شهر حضور داشتند مردم محلی نیز کنار تیم ایران بودند و برای تیم ملی سنگ تمام گذاشتند. اوضاع برای تیم ملی در تیخوانا آنقدر خوب پیش رفت که بازیکنان و مربیان در مصاحبه‌هایشان تأکید کردند انگار در کشور خودشان هستند و دل کندن از تیخوانا برای آنها بسیار سخت شده بود.

در ادامه وابستگی عاطفی مردم در این منطقه با تیم ایران به حدی رسید که روز آخر وقتی تیم ایران در حال ترک تیخوانا بود مردم پشت اتوبوس تیم ایران می‌دویدند و صحنه‌های جالبی رقم خورد. این تصاویر البته قبل و بعد از هر بازی وقتی تیم ملی به آمریکا می‌رفت و برمی‌گشت نیز به گونه‌ای تکرار می‌شد و حضور در این شهر فوق‌العاده بود. از طرفی برخلاف آنچه تصور می‌شد نه کارتل‌های مواد مخدر سراغ تیم ایران آمدند نه خبری از حواشی مرسوم بود. به عبارتی حضور در این منطقه مرزی مکزیک برای تیم ملی خیر مطلق بود و تجربه خوبی رقم خورد.

در چنین شرایطی وقتی اتمسفر استادیوم‌های محل مسابقات و کمپ تمرینی اینقدر عالی بودند چرا هیچ کس در تیم ملی این مزایا و نکات مثبت را کنار نکات منفی و معضلات قرار نمی‌دهد تا ببینیم کفه ترازو به کدام سمت سنگینی خواهد کرد؟ آیا صرف گفتن از مشکلات و معضلات و تأکید مداوم بر مظلومیت تیم ملی می‌تواند ناکامی‌های فنی و نواقصی که عیان بود را توجیه کند؟ اگر هم معضلات و موانع وجود داشته و مدام از آنها حرفی به میان آمده چرا بخش‌های مثبت این داستان را پررنگ نمی‌کنید؟

عکس: فیفا

GPS تیم ملی درباره ادعای افاضلی چه می‌گوید؟

«بدن‌های خواب» تنها دلیل نبردن نیوزیلند نبود

محمد قربانی بیش از ۱۲ کیلومتر دوید، رامین رضاییان ۷۰ اسپرینت ثبت کرد و میلاد محمدی یکی از بالاترین آمارهای دوندگی تورنمنت را به نام خود زد. این اعداد مربوط به بازی سوم تیم ملی مقابل مصر است؛ آماری که حالا دوباره این سؤال را مطرح می‌کند؛ اگر تیم ملی در پایان مرحله گروهی چنین توان جسمانی بالایی داشت، آیا واقعاً در نخستین مسابقه مقابل نیوزیلند «بدن بازیکنان خواب بود»؟

این جمله‌ای است که هومن افاضلی بر زبان آورد؛ جمله‌ای که بیش از آنکه یک توجیه باشد، از منظر علم تمرین و فیزیولوژی ورزشی قابل بررسی است. خوشبختانه گزارش‌های فنی فیفا و داده‌های GPS سه مسابقه ایران مقابل نیوزیلند، بلژیک و مصر، حالا فرصت مناسبی برای بررسی این ادعا فراهم کرده‌اند.

اعداد می‌گوید بازی به بازی رشد کردیم

در فوتبال مدرن، تنها مسافت طی‌شده معیار آمادگی جسمانی نیست. تعداد اسپرینت‌ها یعنی میزان دوندگی با سرعت بالا (High Speed Running)، تکرار حرکات انفجاری و توان حفظ این شدت در طول مسابقه، شاخص‌های دقیق‌تری هستند. در دیدار نخست مقابل نیوزیلند، بازیکنان اصلی ایران اگرچه اعداد قابل قبولی ثبت کردند اما بسیاری از آنها هنوز به سقف عملکرد بدنی خود نرسیده بودند. رامین رضاییان ۱۱.۴۷ کیلومتر، میلاد محمدی ۱۱.۱۸ کیلومتر، سعید عزت‌اللهی ۱۱.۱۷ کیلومتر و محمد محبی حدود ۱۱ کیلومتر دویدند؛ اعدادی که در نگاه اول مطلوب به نظر می‌رسد، اما مقایسه آنها با دو مسابقه بعد، تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد. این تفاوت دقیقاً همان جایی است که ادعای افاضلی قابل بررسی می‌شود. ایران در دومین مسابقه مقابل بلژیک، نه‌تنها از نظر فنی بلکه از لحاظ شاخص‌های فیزیکی نیز یک پله بالاتر رفت. طبق گزارش رسمی مسابقه، تیم ملی بیش از ۱۱۲ کیلومتر دوندگی ثبت کرد؛ آماری که حتی از مجموع دوندگی بازیکنان بلژیک نیز بیشتر بود. در کنار آن، ایران ۳۴۳ فشار دفاعی (Pressures) انجام داد؛ عددی که نشان‌دهنده افزایش چشمگیر فعالیت بدون توپ و توان تکرار دویدن‌های پرفشار است. این حجم از پرس، بدون آمادگی هوازی و بی‌هوازی مناسب عملاً امکان‌پذیر نیست. در واقع، تیمی که بتواند چنین فشاری را در طول ۹۰ دقیقه حفظ کند، از نظر فیزیکی دیگر شباهتی به تیم بازی اول ندارد. اگر قرار باشد تنها یک مسابقه را به عنوان معیار آمادگی بدنی ایران انتخاب کنیم، احتمالاً دیدار مقابل مصر بهترین نمونه خواهد بود. آمارهای GPS نشان می‌دهد محمد قربانی با ۱۲ هزار و ۴۸۱ متر بیشترین دوندگی تیم را ثبت کرده است. رامین رضاییان با ۱۱ هزار و ۹۲۲ متر، سعید عزت‌اللهی با ۱۱ هزار و ۷۸۱ متر، میلاد محمدی با ۱۱ هزار و ۳۹۳ متر و محمد محبی با ۱۱ هزار و ۶۶ متر در بین پرتلاش‌ترین بازیکنان قرار داشتند. اما نکته مهم‌تر، شاخص‌های سرعت است. رامین رضاییان ۷۰ اسپرینت ثبت کرد، میلاد محمدی ۶۷ اسپرینت، محمد محبی ۶۱ اسپرینت و مهدی طارمی ۵۶ اسپرینت انجام دادند؛ آماری که نشان می‌دهد بازیکنان نه‌تنها مسافت بیشتری دویده‌اند، بلکه توانسته‌اند بارها با سرعت بالا حرکت کنند. این همان شاخصی است که معمولاً بیش از مسافت طی‌شده، وضعیت واقعی بدن بازیکنان را نشان می‌دهد و البته این سؤال حالا به شکل جدی‌تری مطرح می‌شود که چرا با وجود برتری بدنی مقابل مصر اینقدر دیر یاد این افتادیم که باید ببریم.

آیا افاضلی درست می‌گفت؟

اگر منظور از «خواب بودن بدن‌ها» این باشد که بازیکنان هنوز به اوج آمادگی برای مسابقه نرسیده بودند، داده‌ها تا حدی از این ادعا حمایت می‌کنند. روند سه مسابقه نشان می‌دهد شاخص‌های فیزیکی تیم ملی به تدریج افزایش یافته و بسیاری از بازیکنان در بازی سوم بهترین اعداد خود را ثبت کرده‌اند. این الگو با پدیده‌ای که متخصصان فیزیولوژی آن را سازگاری با اختلاف ساعت، شرایط اقلیمی و ریتم مسابقات می‌نامند، همخوانی دارد. تیم ملی پس از سفری طولانی به آمریکای شمالی، در فاصله‌ای کوتاه وارد رقابت‌ها شد. در چنین شرایطی، افت نسبی توان انفجاری در روزهای ابتدایی موضوعی شناخته‌شده است و معمولاً پس از چند روز، بدن ورزشکار به شرایط جدید عادت می‌کند. در عین حال، نسبت دادن نتیجه بازی نیوزیلند صرفاً به شرایط جسمانی نیز ساده‌سازی است. فوتبال ترکیبی از عوامل فنی، تاکتیکی، روانی و بدنی است. حتی اگر بپذیریم بازیکنان در مسابقه نخست هنوز به آمادگی کامل نرسیده بودند، نمی‌توان ضعف‌های تاکتیکی، تصمیمات فنی یا کیفیت حریف را نادیده گرفت. اتفاقاً داده‌های بازی‌های بعدی نشان می‌دهد تیم ملی علاوه بر رشد فیزیکی، در سازماندهی دفاعی و هماهنگی تیمی نیز پیشرفت کرده بود؛ موضوعی که باعث شد مقابل بلژیک و مصر نمایش منسجم‌تری ارائه دهد. واقعیت اینکه اعداد نه ادعای افاضلی را کاملاً تأیید و نه آن را رد می‌کنند. آنها نشان می‌دهند تیم ملی در طول مسابقات از نظر فیزیکی روندی صعودی داشته و بازیکنان در بازی سوم به بهترین وضعیت خود رسیده‌اند. بنابراین، اگر افاضلی از «خواب بودن بدن‌ها» به معنای نرسیدن به اوج آمادگی بدنی صحبت کرده باشد، داده‌های GPS تا حدی این برداشت را تأیید می‌کنند. اما اگر این جمله به‌عنوان تنها دلیل عملکرد ضعیف مقابل نیوزیلند مطرح شود، آمار چنین نتیجه‌ای را اثبات نمی‌کند؛ زیرا فوتبال تنها با دویدن برده نمی‌شود. یادمان نرود ایران در همان بازی دو بار پس از عقب افتادن به مسابقه برگشت و در نهایت به تساوی ۲-۲ رسید؛ این معمولاً نشانه تیمی نیست که از دقیقه ۶۰ به بعد از نظر بدنی فرو پاشیده باشد. گل‌های نیوزیلند در دقایق ۷ و ۵۴ زده شد و ایران در دقایق ۳۲ و ۶۴ پاسخ داد. یعنی گل دوم ایران در نیمه دوم و پس از گذشت بیش از یک ساعت از مسابقه به ثمر رسید. همچنین اگر تیم از نظر بدنی افت شدیدی داشت، انتظار می‌رفت در دقایق پایانی توان حمله نداشته باشد اما در این مسابقه هم در لحظات پایانی شرایط تیم ایران بد نبود. در ترکیب تیم ملی هم تعویض‌ها نیز از ابتدای نیمه دوم و در دقایق ۵۳، ۶۸ و... انجام شد که نشان می‌دهد کادر فنی سعی کرده بود با تغییرات، شدت بازی را حفظ کند.

درباره سرمربی تیم ملی نباید یک نفر تصمیم بگیرد

شاهرخی: در فوتبال ما استعفا بعد از ناکامی معنا ندارد

مصاحبه

محمد محمدی سدهی
خبرنگار

برنامه تیم ملی برای حضور در جام ملت‌های آسیا اعلام شد و براساس ادعای مسئولان فدراسیون فوتبال برگزاری مسابقات تدارکاتی با حریفان متنوع، کمپ تمرینی در دو منطقه شرق و غرب آسیا کمپ تمرینی و اردو و برگزاری بازی‌های تدارکاتی برابر تیم‌هایی از شرق قاره و همچنین کشورهای غرب آسیا از جمله اقدامات فدراسیون فوتبال برای کسب موفقیت در جام ملت‌های آسیاست. در این بین به نظر می‌رسد که تیم ملی در مسابقات جام ملت‌های آسیا هم با هدایت امیر قلعه‌نویی حضور خواهد یافت.

همایون شاهرخی، مربی اسبق تیم ملی در خصوص ابقای امیر قلعه‌نویی به «ایران ورزشی» گفت: «در طی هفته‌های اخیر بارها در خصوص تیم ملی اظهار نظر شد اما هیچ گوش شنوایی نیست. در حال حاضر فدراسیون فوتبال در خصوص ابقای امیر قلعه‌نویی تصمیم گیرنده است و مسئولان هیچ توجهی به صحبت‌ها و اظهارات کارشناسان ندارند و کار خودشان را انجام می‌دهند. زمانی من در فدراسیون فوتبال همه‌کاره بودم و تلاش می‌کردم تا بهترین تصمیم را بگیرم اما حالا شرایط تغییر کرده است.»

او به صحبت‌های خود این گونه ادامه داد: «تیم ملی باید یک کمیته فنی داشته باشد و براساس آن همه مسائل تیم ملی را از لحاظ فنی بررسی کند و برای انتخاب سرمربی تصمیم بگیرد. زمانی برای تصمیم‌گیری در خصوص موضوعی خاص اعضای فدراسیون جلسه‌ای با اعضا برگزار می‌کردند و بر اثر آرا تصمیم‌گیری می‌شد اما حالا کاملاً شرایط تغییر کرده است. کدام کار با خرد جمعی انجام می‌شود؟»

این مربی اسبق تیم ملی افزود: «بحث انتخاب سرمربی تیم ملی یکی از مباحث مهم است و این موضوع را باید فدراسیون فوتبال تصمیم بگیرد نه اینکه تنها یک فرد تصمیم گیرنده باشد. در خصوص تیم ملی و جام ملت‌ها هم می‌توان گفت که با این روند نمی‌توانیم شانسی برای موفقیت در آسیا داشته باشیم. فدراسیون تنها می‌خواهد کار خود را به هر طریق ممکن ادامه دهد و تیم ملی بدون نتیجه گرفتن در مسابقات به تورنمنت بعدی برود.»

شاهرخی در خصوص نتایج تیم ملی در جام جهانی افزود: «در صورتی نتیجه خوب بود که تیم ملی از مرحله گروهی صعود می‌کرد و به مراحل بالاتر می‌رسید اما زمانی که تیم ملی حتی نتوانسته ۴ امتیاز بگیرد و از گروه خود صعود کند، یعنی نتیجه خوب نبوده است. ما باید بپذیریم که تیم ملی در جام جهانی موفق نبود و برای برون رفت از این شرایط باید برای مسابقات پیش رو برنامه داشته باشیم و براساس آن به جام ملت‌ها برویم. توقعات از تیم ملی بالا رفته بود و در نهایت تیم ملی در همان مرحله اول با ۳ امتیاز حذف شد.»

شاهرخی بیان داشت: «فوتبال براساس واقعیت‌هاست و این واقعیت‌ها یعنی بازی تدارکاتی، اردوها و مسائل دیگری که باعث بالا رفتن آمادگی تیم می‌شود نه بر اساس اتفاق‌ها. در حال حاضر ۴ تیم در جام جهانی براساس واقعیت‌ها به این مرحله صعود کردند. این تیم‌ها جزو تیم‌های خوب دنیا هستند و تلاش کردند و توانستند به اینجا برسند اما ما فقط به دنبال اتفاقات هستیم. اتفاقات همان بازی با نیوزیلند بود که توپ‌مان به دروازه حریف نرفت و مقابل این تیم مساوی کردیم. اکثر مردم براساس واقعیت‌ها در خصوص فوتبال و جام جهانی اظهارنظر می‌کنند.»

او در خصوص جوانگرایی در تیم ملی تصریح کرد: «متأسفانه فوتبال ایران بازیکن جوانی ندارد و از سوی دیگر بازیکنان سن بالای تیم ملی هم از کارافتاده هستند. لیگ برتر کیفیت لازم را ندارد و همین موضوع باعث شده تا نتوانیم بازیکن بسازیم. بحث کلی من این است که در فوتبال ایران استعفا دادن بعد از ناکامی معنایی ندارد. خیلی مواقع بهتر است کار را به دست افرادی بدهیم که شاید بتوانند تغییرات مثبتی ایجاد کنند.»

واکنش

حمایت از تیم ملی حتی شده به دروغ!

چه بر سر رسانه آورده‌اید؟

بر حواشی سریالی یک برنامه فوتبالی تلویزیونی پایانی نیست و هر روز شاهد باز شدن دریچه‌های جدیدی هستیم و هربار از خودمان این سؤال را می‌پرسیم چرا باید چنین مسائل و رویه غلطی به صورت یکجانبه بازگو شود و هیچ عزم و اراده‌ای برای اصلاح از سوی مسئولان ذیربط در آن رسانه وجود نداشته باشد؟ ایسنا در این خصوص نقدی منتشر کرده که در ادامه متن کامل آن را می‌خوانید:

قهقرای فکری و ابتذال کلامی

به چه دلیل، یک تریبون ۲۴ ساعته در اختیار شما قرار دارد تا هر چه که در ذهن خود با آن خو گرفته‌اید را به راحتی هرچه تمام‌تر به زبان آورید و هر روز بیش از گذشته در قهقرای فکری خود دست و پا بزنید و هر لحظه، همگان را با طرز فکر عجیب و غریب خود، شگفت‌زده کنید.

یک مجری تلویزیونی، این روزها ادبیات عجیبی در حوزه رسانه دارد و در حال تعریفی غلط از نقش رسانه است و به نظر می‌رسد نظارتی برای تغییر این رویه غلط وجود ندارد؛ یک روز دیگران را با الفاظ زشت و زننده مورد عنایت قرار می‌دهد، یک روز با جای خالی و جای خالی‌هایی که پر کردن آن صرفاً با فحش و الفاظ رکیک امکان پذیر است یک جامعه را شگفت‌زده می‌کند، یک روز همگان را به دلیل انتقاد از تیم ملی دشمن می‌داند و روز دیگر کار را تا جایی پیش می‌برد که حتی روابط عمومی فدراسیون فوتبال هم بابت این همه حمایت سوپرایز می‌شود و حتی به خود سوزن می‌زند که مبادا در خصوص تیم ملی کوتاهی کرده است!

رسانه یا روابط عمومی؟

چه کسی می‌گوید وظیفه رسانه صرفاً حمایت غلط از تیم ملی فوتبال است؟ چرا نباید از ایرادات و مشکلات مشخص تیم ملی صحبت به میان آورد؟ آیا اگر به عنوان رسانه اشکالی در حوزه تیم ملی فوتبال وجود داشته باشد و شما از آن مطلع باشید و آن را بازگو نکنید، به منافع ملی خیانت نکرده‌اید؟ اگر با بیان اشکالات و صحبت کردن در خصوص آن می‌توانستید به رفع ایراد کمک کنید، آیا می‌توانید خودتان را ببخشید؟

رسانه مسئول است که از یک سو اتفاقات و تصمیمات مثبت را ببیند و به بیان آن بپردازد و از سوی دیگر اشکالات و ایرادات را پیدا و با طرح آن در رسانه به حل مسائل، کمک کند.

قدیس‌سازی و سپررسانه‌ای!

آیا تیم ملی تحت مربیگری امیر قلعه‌نویی یک پدیده مقدس است و نمی‌توان در خصوص آن صحبت کرد و حرفی به میان آورد و اشکالات و ایرادات اساسی آن را که تبعات آن سال‌ها گریبان فوتبال ایران را خواهد گرفت به زبان آورد؟

آیا آن زمان که مهدی تاج و فدراسیون فوتبال ایران را به باد نقد یکطرفه گرفته بودید و شب و روز از لب تیغ می‌گذراندید خودتان مصداق بارز دشمن بودید؟ آن زمان که رئیس فدراسیون فوتبال در مقابل دوربین کارش با شما به مشاجره ختم شد و بارها و بارها از صحبت کردن با برنامه‌تان پرهیز می‌کرد، شما و رسانه‌تان علیه منافع ملی عمل می‌کردید؟ چه اتفاقی رخ داده که دیگران را متهم به سپر رسانه‌ای مهدی تاج می‌کردید و امروز هر کسی از فدراسیون فوتبال چیزی بگوید باید به آن با ادبیات زشت و زننده حمله کنید؟ چگونه همین چند ماه قبل که شجاع خلیل‌زاده یکی از کاپیتان‌ها تیم ملی را به درست یا غلط مورد عنایت قرار دادید و حتی القا کردید که این بازیکن امکان حضور در جام جهانی را ندارد، آیا آن زمان ایرادی به شما وارد نبود؟ آیا فقط شما هر زمان که تشخیص دهید می‌توانید در رسانه ملی از هر چه می‌خواهید صحبت کنید و هر زمان که دیگران بخواهند حرفی به میان آورند، متهم خواهند بود؟

توهم بازیکن تیم ملی مقابل دوربین!

شما چه بر سر رسانه آورده‌اید که علیرضا بیرانوند مقابل چشمان بیننده تأکید می‌کند که رسانه حتی باید به دروغ از بازیکنان تیم ملی حمایت کند؟ چه بر سر رسانه آمده که حتی در مقابل این گزاره غلط سکوت می‌کنید و هیچ نمی‌گویید؟ آیا وظیفه رسانه این است که مجیزگوی تیم ملی و بازیکنان آن باشد حتی به دروغ؟ پس اساساً چه لزومی به فعالیت رسانه به عنوان رکن اصلاحی وجود دارد؟

وظیفه رسانه به عنوان رکن چهارم دموکراسی

خلاصه کلام اینکه شما به عنوان رسانه موظف هستید خوب را ببینید و بد را نادیده نگیرید و رویه‌ای غلط را در خصوص رسانه، باب نکنید. اگر در تیم ملی زحمتی کشیده شده که قطعاً این‌گونه است و بازیکنان و کادر فنی شرایط سخت و استثنایی را در این دوره جام جهانی متحمل شده‌اند که تا کنون بی‌سابقه بوده و برای هیچ تیم دیگری پیش نیامده است باید در خصوص آن صحبت و از تلاش‌های صورت گرفته قدردانی کرد اما در عین حال اگر رسانه هستید و منافع فردی و گروهی را تأمین نمی‌کنید باید نقاط ضعف، ایرادات و اشکالات را نیز ببینید تا با اصلاح آن زمینه بهبود وضعیت را فراهم و به تیم ملی کشور خود و آینده آن، کمک کنید.

بر کسی پوشیده نیست که رسانه به عنوان رکن چهارم دموکراسی باید نقش بی‌طرفانه‌ای داشته باشد و بدون جانبداری، تحریف و تأثیرپذیری از منافع فردی و گروهی، اطلاع‌رسانی به مخاطبان را در دستور کار قرار دهد و با انعکاس دیدگاه‌های مختلف زمینه را برای آگاهی و قضاوت مستقل مردم، فراهم کند. رسانه باید با دقت، منصفانه و با مسئولیت‌پذیری به بیان حقیقت بپردازد و از قضاوت یکطرفه پرهیز کرده و با حفظ اعتماد عمومی شرایطی را فراهم کند که جامعه مخاطب بتواند بر پایه اطلاعات صحیح به درک درستی از مسأله برسد.